

## پل صراط، از متن تا تصویر

مطالعه موردی: دیوارنگاره بقعه آقا سیدمحمد لیچا

فتانه الماسی<sup>۱</sup>

### چکیده

کثرت بقاع متبرکه در استان گیلان نشانگر آن است که این سرزمین همواره مورد توجه امامزادگان و سادات علوی بوده است. دیوارهای این بقعه‌ها معمولاً مزین به نقاشی‌های عامیانه با درون‌مایه مذهبی هستند. مضامین نقاشی‌ها برگرفته از اعتقادات و باورهای مردم محلی است که عموماً گرایش مذهبی شیعی دارند. بقعه «آقا سید محمد» لیچا در لشت نشا از جمله بقاعی است که دیوارهای آن با نقاشی‌های عامیانه مذهبی، آراسته شده است. «عبور از پل صراط» یکی از موضوعات به تصویر درآمده در این مکان است که مشابه آن در دیگر اماکن مذهبی نیز دیده می‌شود.

این مقاله در پی پاسخ این پرسش‌هاست که: پشتوانه عقیدتی نقاش مکتب ندیده دیوارنگاره «عبور از پل صراط چیست؟ این اثر برگرفته از کدام متون و روایات مذهبی است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها ابتدا مفهوم پل صراط در دین اسلام و زرتشت بررسی شد و سپس پشتوانه روایی نقاشان. نتیجه پژوهش که از بررسی نقاشی‌ها و مطالعه متون پشتیبان حاصل شد این است که نقاشی‌های بقاع متبرکه در واقع ترجمان تصویری متون عامیانه مذهبی هستند.

**واژگان کلیدی:** بقاع متبرکه، نقاشی‌های عامیانه مذهبی، دیوارنگاری، پل صراط، بقعه آقا سید محمد لیچا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد نقاشی، مدرس مدعو دانشگاه علم و فرهنگ Fattanehmasi@gmail.com

## ۱. مقدمه

بقاع متبرکه در میان مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بقعه برای اهالی یک منطقه خانه‌ای امن و مکانی مقدس و جایگاهی معنوی برای پناه بردن، مدد جستن، آرامش یافتن و شفا گرفتن است. محل دفن انسانی پاک سرشت است، قطعه‌ای مقدس از زمین خدا که به واسطه در برگرفتن جسد انسانی نیکو نهاد از قداستی خاص برخوردار شده‌است. باور مردم این است که این سرشت‌های پاک می‌توانند ارتباط انسان با عالم فراجسمانی را برقرار کنند و پس از مرگشان واسطه‌ای هستند میان پروردگار و بندگانش تا به واسطه وی حاجتشان برآورده شود. برخی متفکران مانند الیاده نیز «مرگ را گذر به عالم علوی دانسته‌اند» (الیاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

اعتقادات و باورهای مذهبی، عامیانه مردم یک منطقه ارتباط تنگاتنگی با این بقاع دارد. مردم طبق رسوم و باورهای خویش، بخشی از دارایی خود را وقف این بقاع می‌کنند. یکی از شیوه‌های رایج این نذورات، پرداخت هزینه‌هایی برای اجرای دیوارنگاره‌هایی با مضامین مذهبی جهت آراستن دیوارهای داخلی و خارجی بقاع است. نقاشی‌های عامیانه مذهبی روایاتی تصویری از موضوعات مورد علاقه مردم شیعه مذهب هستند. بقعه آقا سید محمد لیچا، در لشت نشا از جمله بقاع متبرکه گیلان است، که دیوارهای آن با نقاشی‌های عامیانه مذهبی آراسته شده‌است. در این بقعه علاوه بر دیوارهای خارجی، ستون‌های بیرونی هم دارای نقاشی هستند. در دیوارنگاره‌های مذهبی این امامزاده موضوعاتی مانند وقایع روز عاشورا، معراج پیامبر، دارالانتقام مختار ثقفی، دو طفلان مسلم، عذاب دوزخ و همچنین عبور از پل صراط به تصویر درآمده‌اند.

در این نوشتار به بررسی ویژگی‌های تصویری دیوارنگاره پشته بقعه که موضوع «عبور از پل صراط» بر روی آن نقش بسته، پرداخته شده تا به سوالات زیر پاسخ داده شود. الف. نقاشی‌های عامیانه مذهبی که بر دیوارهای بقاع نقش بسته‌اند با متون و ادبیات عامیانه مذهبی چه ارتباطی دارند؟ ب. آیا هنرمند مکتب ندیده در اجرای اثر خود به متون مذهبی وفادار است؟ برای پاسخ به پرسش‌های مذکور، ابتدا متون زرتشتی پیش از اسلام بررسی شده‌اند و سپس متون و احادیث دوره اسلامی. شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی است و مطالب به روش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌اند.

## ۲. داوری واپسین در اندیشه زرتشتی و اسلامی

اسلام زمانی در سرزمین عربستان ظهور کرد که در همسایگی آن یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری - تمدن ایران باستان - قرن‌ها پیش شکل گرفته بود. دور از ذهن نیست که بپذیریم بخشی از اندیشه‌ها و باورهای مردمان این مرز و بوم بر دین تازه تأثیراتی داشته است. به نوشته اسلام‌شناسان و عربی‌دان‌ها (اندر و ریپین<sup>۲</sup>، فیشر<sup>۳</sup> و ادموند باسورث<sup>۴</sup>) قرآن لغت‌هایی را از زبان‌های دیگر وام گرفته، که شامل لغت‌های ایرانی (اوستایی، فارسی میانه، پهلوی و اشکانی) نیز می‌شود. همچنین ادیان شناسانی چون بوزانی<sup>۵</sup>، شاکد<sup>۶</sup>، گلدزیهر<sup>۷</sup> و گنوویدن<sup>۸</sup> به ریشه‌یابی لغت‌های ایرانی در زبان عرب پرداخته‌اند. بوزانی<sup>۵</sup> مانند ویدن گرن بر این باور است که مفاهیم و اندیشه‌های ایرانی به طور کلی از طریق افسانه‌های التقاطی یهودی و نوشته‌های مسیحی که رنگ تند گنوسی دارند، به عربستان رسیده است. «وی خاطر نشان می‌سازد که عناصر اندیشه‌های ایرانی را که به این وسیله انتشار یافته‌اند، طبیعتاً می‌توان به مقدار فراوان تری در مجموعه احادیث اسلامی یافت (Yarshater, 39: 1999). در جایی دیگر گلدزیهر با وجود این که

Comment [j1]: دین شناس؟

Comment [j2]: ؟؟؟؟

2 Rippin  
3 Fischer  
4 Bosworth  
5 Bausani  
6 Shaked  
7 Goldziher  
8 Geo Widengren

شواهدی از منابع اسلامی و ایرانی برای نظرات خود در این زمینه می‌آورد، به خواننده متذکر می‌شود که این نظر او فقط یک فرضیه است و حرف نهایی در این موضوع نیست (ibid:34).

به گفته شاکد نیز «هر چه انسان بیشتر در گنجینه ادبیات عرب مطالعه می‌کند، بیشتر به عناصر بازتابنده یا ادامه دهنده اندیشه‌های کهن ایرانی در آن پی می‌برد» (شاکد، ۱۳۸۶:۳۳۳). از سویی دیگر به گفته یارشاطر، برخی از شباهت‌ها میان قرآن و فرهنگ ایرانی می‌تواند حاصل فرآیند معکوس تأثیر اسلام بر کتاب‌های زرتشتی در قرن نهم میلادی باشد. گرچه عناصر ایرانی در سنن اسلامی (حدیث) که بازتاب‌دهنده عقاید و رسوم محلی است، قابل تمایز است، این عناصر را نمی‌توان همیشه با دقت در قرآن پیدا کرد. «یکتاپرستی محکم و خدشه ناپذیر پیامبر اسلام، حتی تطبیقات مفاهیم و عبارات مسیحی یهودی را چنان تغییر شکل داده که عهد عتیق در مقایسه با قرآن تقریباً مشرکانه به نظر می‌رسد. علاوه بر این به نظر نمی‌رسد که محمد (ص) با جامعه‌ای از ایرانیان زرتشتی تماس مستقیم داشته باشد» (Yarshater, 31:1999). توجه به تمام نکات و نظراتی که ارائه شد، یکی از مشترکات دین زرتشتی و دین اسلام باور هر دو دین به داوری واپسین یاروز محشر (روز حساب) است. باور به بهشت و جهنم و مسیر و معبری که روان در گذشته یا روح در باور اسلامی باید از آن عبور کند تا به حساب وی رسیدگی شود و پس از آن در خانه‌ی ابدی‌اش جای گیرد و آن چیزی نیست جز «چینوت» در باور زرتشتی و «پل صراط» در باور اسلامی.

## ۱-۲. رستاخیز زرتشتی و چینوت در آئین زرتشتی

یکی از مباحثی که در دین زرتشت به آن پرداخته شده و به نوعی به داوری اخروی اشاره دارد؛ پل حسابرسی شخصی است. به عقیده مری بویس<sup>۱۱</sup>، زرتشت، اولین کسی بود که عقاید مربوط به داوری فردی، بهشت، دوزخ و رستاخیز آینده تن و قیامت و داوری در روز پسین و زندگانی جاویدان پس از بهم پیوستن مجدد جسم و جان را تعلیم داد. گویا مقدر بود این معتقدات با وام‌گیری به وسیله‌ی ادیان یهودی، مسیحی و اسلام، به باورهای آشنای بسیاری از مردم جهان تبدیل شود (Yarshater, 35:1999). به عقیده‌ی دوشمن گیمن<sup>۱۲</sup>: از پل حسابرسی شخصی، یعنی پل چینوت (اوستایی: سینوت) در اسلام به عنوان «پل صراط» یعنی پلی به پایان جهان و به روز قیامت نام برده شده است (ibid: 40).

## ۲-۲. پل چینوت یا پل چینوت<sup>۱۱</sup>

در زبان اوستایی (cinvat peretum) پل داوری در گذشتگان در عقاید زرتشتی است. که آن را برابر پل صراط در اسلام دانسته‌اند، پل چینوت یا همان پل صراط که در اشتودگاه اوستا (پسنا ۳۶ بندهای ۸۰ و ۸۸) به آن اشاره شده است. از دو بخش «چینوت» که در اوستایی به معنی «جدا کننده» است و «پرتو» به معنی «پل» تشکیل شده است و این پل جدا کننده پرهیزگاران از بدکاران است. «بنا به عقاید زرتشتی روان در گذشته تا سه روز بر بالین تن حاضر و به آن متصل است و پس از آن در سپیده دم روز چهارم روان برای داوری به سر پل چینوت می‌رسد و در آن جا در دادگاهی که به داوری ایزد مهر و با حضور ایزدانی چون

9. Maryboyce

10. Doshman Gimem

۱۱. این پل در فرهنگ ایران قبل اسلام، پل چینوت (جداکننده) نامیده می‌شود که بر سر آن، نیکان از بدانجا می‌شوند و هر یک به راهی که خود در زندگی ساخته‌اند می‌روند. پل چینوت بین البرز کوه و کوه دایتیک (Daitik) در ایرانویج قرار دارد و آن سوی پل گذرگاه بهشت است. این پل به پهنای نه نیزه است و هر نیزه به بلندی سه نای است. (یاحقی، ۱۳۹۱:۵۴۰)

رُشَن<sup>۱۲</sup>، سروش<sup>۱۳</sup> و اشتاد<sup>۱۴</sup> برگزار می‌شود<sup>۱۵</sup>، به حساب کارهای نیک و بد وی رسیدگی می‌شود» (آذرگشنسب، ۱۳۷۲: ۲۰۶ و ۲۰۷).

اگر روان آدمی پرهیزگار باشد یا بدکار شرایط برای وی متفاوت است. «اگر پرهیزگار بوده، کفه ترازوی نیکی وی بر بدی سنگینی کند، تیغه<sup>۱۶</sup> به پهنا می‌ایستد و گزندی به او نمی‌رساند. سپس بادی خوش وزیده و در آن باد دختری<sup>۱۷</sup> زیبا که تجسم اعمال اوست بر او ظاهر شده و به راهنمایی او از نردبان سه پله‌ای که نماد اندیشه، گفتار و کردار نیک است بر گروتیمان بهشت برین وارد می‌شود. اگر بدکار باشد عجزه‌ای بر وی ظاهر شده و به گفته عجزوه و از ترس آن علی‌رغم میل باطنی روان بر تیغ می‌رود و در سه گام که نماد اندیشه، گفتار و کردار بد است، بریده شده و بر دوزخ می‌افتد» (بهار، ۱۳۸۰: ۱۳۱، ۱۳۰). به این صورت در باور زرتشتیان روان درگذشتگان در محکمه عدل ایزد مهر بر سر پل چینوت حضور می‌یابند و به اعمالشان رسیدگی می‌شود تا در بهشت یا دوزخ جا گیرند.

### ۳-۲. پل صراط در دین اسلام

با پیشینه‌ای که در مورد پل صراط در باور زرتشتی بیان شد، نوبت آن است که ویژگی‌های این پل در دین اسلام بررسی شود. همچنین با توجه به تأخر زمانی اسلام نسبت به زرتشت، لازم است به ریشه‌یابی این باور اسلامی در اندیشه‌های زرتشتی نیز پرداخته شود. با نگاهی به تاریخ ایران درمی‌یابیم، «دین امپراطوری ایران در زمان ساسانی مجوس بوده است» (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۷) که در قرآن نیز از آن یاد شده است: «مسلماً کسانی که ایمان آورده‌اند و یهودی‌ها، صائبی‌ها، نصاری و مجوس و آنانی که شرک ورزیدند، خداوند متعال در روز قیامت میانشان داوری می‌کند<sup>۱۸</sup>» (قرآن، حج، ۱۷). پس از حیث تاریخی معلوم می‌شود که مجوس دینی آسمانی و توحیدی بوده است. ادیان آسمانی می‌توانند با هم مشترکاتی داشته باشند که اعتقاد به روز حساب و پل صراط از جمله مهم‌ترین این اشتراکات است. پیشتر به پل چینوت در آئین زرتشت که شاخه‌ای از دین الهی مجوس است اشاره شده در ادامه مقاله این مساله در قرآن و اسلام بررسی می‌شود.

## روش‌های علم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۲. رُشَن: (رشنو) ایزد عدالت آئین ایران باستان است، در سر پل چینو که روان در گذشتگان به داوری کشیده می‌شود و کردارهای خوب و بد و ثواب‌ها و گناهانشان سنجیده می‌شود، هیأت داوری را سه ایزد تشکیل می‌دهند: مهر، رشن و سروش ترازوی مینوی را رشن در دست دارد. این ترازوی مینوی هرگز خطا نمی‌کند. (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۹) سروش: (سرتوشه) معنی این نام اطاعت و فرمانبرداری و انضباط است. از شخصیت‌های محبوب باورهای ایران باستان به شمار می‌آید... سروش روان را پس از مرگ خوشامد می‌گوید و از آن مراقبت

می‌کند. در داوری انجامین روان‌ها با مهر و رشن همکاری دارد. ایزدان اشتاد و اشی نیز یاران او هستند. (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۹)

۱۴. اشتاد: نماد دیگری از عدالت است، نماد زنانه دارد. او را راهنمای مینوان و جهانیان می‌دانند و می‌گویند به همراه زامیاد، ایزد زمین، روان مردگان را در ترازو می‌گذارد. به همراه زامیاد، ایزد زمین، روان مردگان را در ترازو می‌گذارد. (آموزگار، ۱۳۸۰: ۳۶)

۱۵. امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل می‌فرماید: «ای علید در روز قیامت من و تو و جبرئیل بر صراط می‌نشینیم و کسی از صراط نمی‌گذرد مگر اینکه نام‌های همراهش باشد که در آن اعتقاد وی به ولایت شما نگاشته شده باشد.» (صدوقی، بی‌تا: ۷۰)

۱۶. در باورهای اسطوره‌ای آمده که پل چینوت دو رو دارد که برای نیکوکاران عریض و گشاده است و برای بدکاران مانند لبه تیغ، باریک و تیز است. (هیلنز، ۱۳۷۸: ۹۸) ۱۷. ایزد دین (دنا)

۱۸. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّهُمْ يَفْعَلُونَ بَيْنَ يَدَيْهِمْ عِزًّا» (حج، ۱۷)

## ۴-۲. پل صراط در قرآن

با توجه به این که کتاب آسمانی مسلمانان قرآن است، لذا بهترین راه برای فهمیدن صحت و سقم مطالب مرتبط با دین و آموزه‌های دینی رجوع به همین کتاب مقدس است. نکته جالبی که در مورد پل صراط وجود دارد این است که در قرآن کلمه «پل صراط» نیامده است، ولی در آموزه‌های دینی در مورد آن زیاد شنیده می‌شود. خداوند در قرآن ۴۵ بار<sup>۱۹</sup> از صراط مستقیم سخن گفته که فقط به معنی راه آمده است. آن هم نه راهی که به پل صراط ربطی داشته باشد. منظور از کلمه صراط که در برخی از آیات قرآن آمده است: «راه راست و طریق هدایت در همین دنیاست. که اگر کسی در این مسیر باشد در آخرت نیز بر آن خواهد بود و اگر کسی از این مسیر منحرف گردد و پایش بلغزد در آنجا هم سقوط خواهد کرد» (صدوق، ۱۳۶۱:۳۲).

## ۵-۲. پل صراط در احادیث و روایات

از دیگر مراجعی که روشن‌کننده مسائل دینی و به گونه‌ای تفسیر و شرح آیات قرآنی هستند، احادیث و روایات اولیاء خداوند است. با توجه به نکته‌ای که در مورد پل صراط از قرآن ذکر شد، برای درک بهتر موضوع از کلام بزرگان دین و تفسیر آنها استفاده می‌کنیم. در روز قیامت یکی از مراحل حرکت آدمی برای رسیدن به زندگی ابدی، پل صراط است. صراط در قرآن به معنی راه آمده است، ولی در روایاتی نقل شده که در روز قیامت پلی به نام «صراط» وجود دارد که همه انسان‌ها از روی آن عبور می‌کنند. حال باید دید مراد از «صراط» چیست؟

از روایات چنین برمی‌آید که صراط یکی از مواضع سخت و در حقیقت آخرین توقفگاه در قیامت است. صراط پلی بر روی دوزخ است که همگی باید از آن رد شوند، مومن باشند یا کافر. قرآن در این باره می‌فرماید: «همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید، امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت سپس اهل تقوی را از آن رهایی می‌بخشیم و ظالمان را در آن رها می‌سازیم» (مریم ۷۱ و ۷۲).<sup>۲۰</sup> در ارتباط با این موضوع روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است، ایشان می‌فرمایند: «صراط یعنی طریق معرفت خداوند که شامل دو صراط می‌شود، صراطی در دنیا و صراطی هم در آخرت. اما صراط در دنیا امامی است که طاعت او واجب است و اما صراط آخرت پلی است که بر روی جهنم زده شده است و هرکسی در دنیا از صراط دنیا به درستی رد شود یعنی امام خود را بشناسد و او را اطاعت کند، در آخرت به آسانی می‌گذرد و کسی که در دنیا امام خود را نشناسد در آخرت هم قدمش بر پل آخرت می‌لغزد و به درون جهنم سقوط می‌کند» (صدوق، ۱۳۶۱:۳۲). پیامبر اکرم (ص) نیز در ارتباط با پل صراط می‌فرماید: «هنگامی که قیامت بر پا شود، بر روی جهنم صراط نصب می‌شود و هیچ کس حق عبور از آن را ندارد مگر کسی که جواز عبور داشته باشد، آن اجازه‌نامه ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) است» (مجلسی، ۱۴۰۴:۶۸). بسیاری از علمای شیعه نیز معتقدند که با توجه به ظاهر این روایات «صراط» پلی است که روی جهنم وجود دارد و به سمت بهشت کشیده شده است.

<sup>۱۹</sup> سوره مریم (۷۲ و ۷۱) فاتحه‌الکتاب (۵) انعام (۱۲۶) آل عمران (۵۶ و ۱۰۱) و کهف (۴۹ تا ۴۷) بقره (۲۱۳ و ۱۴۲) مائده (۱۶) نساء (۶۸ و ۱۷۵)

<sup>۲۰</sup> پل صراط از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر و از آتش سوزاننده‌تر است. صراط پلی است بر روی جهنم و همه کس حتی پیغمبران و امامان و اولیا باید از روی آن گذشته به بهشت روند (شمسیا،

۱۳۸۷:۲۴۶) این پل در ادب فارسی بیشتر به همین نام اسلامی خویش، یعنی «صراط» شناخته است:

بر امید آنکه یابم روز حشر بر صراط از آتش دوزخ برات

بندند باز بر سر دوزخ پل صراط هر کس کزو گذشت مقیم جنان شود (یا حقی، ۱۳۹۱:۵۴۱)

-و آن منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیاً ثم منجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها حیثاً (مریم، ۷۱ و ۷۲)

### ۳. پلی از متن به تصویر

نقاشی‌های عامیانه مذهبی که بر دیوارهای داخلی و خارجی بقاع متبرکه نقش بسته‌اند، تفسیر تصویری روایات عامیانه مذهبی هستند که ریشه در باورها و اعتقادات توده مردم دارد. در واقع روایاتی که بر زبان روضه‌خوانان، مداحان و نقالان جاری بوده است، به قلم نقاش خیالی‌ساز مکتب ندیده بر دیوارها نقش بسته است. از آنجا که «درک رابطه متن و تصویر، پیش در آمدی بر فهم دیگر ارزش‌های هنری این نقاشی‌هاست، پس اولین و مهم‌ترین گام آگاهی از متن روایات است. نقاشی‌ها بدون آگاهی از این روایات مذهبی و ادبی، بخش عمده‌ای از ارزش‌های خود را از دست خواهد داد و اثری تجریدی خواهد بود که از زمان و مکان و جغرافیای خود بریده‌شده و در فضایی ناشناخته معلق است.» (میرزایی مهر، ۱۳۸۶: ۱۳۴)

### ۴. موقعیت محلی بقعه لیچا

نقاشی‌های دیواری بقاع بیشتر در شرق گیلان دیده می‌شود. تنها بقعه با نقاشی دیواری برجسته در غرب گیلان در روستای «لیچا» از توابع لشت وجود دارد، که آن محل زمانی زیر نفوذ «سادات کیایی» شرق گیلان بوده‌است. حدود چهار کیلومتر پس از لشت نشا به سوی شمال و در جوار محله لیچا «بقعه آقا سید محمد یمنی بن امام موسی الکاظم (ع)» معروف به «بقعه آقا سید محمد» قرار دارد که همانند دیگر بقاع درکنار گورستان محلی و در میان مزارع و خانه‌های روستائیان واقع شده‌است. این بقعه، اتاقی به ابعاد شش در شش و ارتفاع تقریبی سه و نیم متر است که بامی شیروانی دارد. چهارسوی بنا غلام‌گردش<sup>۲۱</sup> دارد و یک در ورودی در قسمت جنوب بنا تعبیه شده است. این بنا از زمین ارتفاع چندانی ندارد. گرداگرد بالکن بقعه ستون‌هایی مکعب شکل ساخته‌اند که بام را نگه می‌دارد. متأسفانه در چند سال اخیر، به هدف بازسازی، داخل بنا را با سنگ مرمر پوشانده‌اند و قسمت‌های پائین نمای بیرون را نیز سنگ کرده‌اند و به این ترتیب تمامی نقاشی‌های داخلی و بخشی از نقاشی‌های بیرونی را از میان برده‌اند. این بقعه از جمله بقاعی است که نقاشی‌هایش دارای تاریخ اجراست.

نقاشی‌های این بقعه در سال ۱۳۴۴ ه.ق. به قلم استاد مشهدی آقاجان لاهیجانی اجرا شده‌اند. دیواره‌های خارجی و ستون‌های بیرونی این بقعه با نقاشی‌های مذهبی مانند: «واقعه کربلا» (نبرد روز عاشورا، قیام مختار، شکنجه یزیدیان، زاری شیر و پرندگان برکشته شدگان بی سر دشت نینوا و...)، «معراج حضرت پیامبر (ص)»، «پاره نمودن حضرت علی (ع) در گهواره اژدها را» و ... تزئین شده‌است. در میان دیوارنگاره‌های این بنا، دیوارنگاره‌ای با موضوع عذاب دوزخ و عبور از پل صراط نیز به چشم می‌خورد که در قسمت پشت بنا نقاشی شده است (تصویر ۱).

۲۱. غلام‌گردش: مردگرد، راهرو یا پاگردی است پیرامون گنبد، حیاط یا تالار می‌گردد. (فلاح فر، ۱۳۸۹: ۱۹۰)



تصویر ۱. نمای عمومی بقعه آقا سید محمد، لیچا، لشت نشا (مأخذ: نگارنده).

## ۵. تفسیر نقاشی دیواری «عبور از پل صراط»

این نقاشی، که در گروه نقاشی‌های عامیانه مذهبی قرار می‌گیرد بازتاب و روایت تصویری است از متنی که یا خود هنرمند نقاش در متون مذهبی، احادیث و روایات خوانده است و یا آن را از زبان مداحان و روضه‌خوانان شنیده و بسان نقاشان قهوه‌خانه‌ای آنچه را که از نقلان شنیده در خیال خود پرورانده و بر پرده نقش زده‌است.

آقا جان لاهیجانی در این دیوارنگاره روایتی را به تصویر کشیده که بخشی از روز محشر و داوری اخروی است. این نقاشی در دیوار پشتی بقعه اجرا شده است. اندازه تقریبی آن سه و نیم در چهار و نیم متر است. نقاشی از پائین دیوار تا سقف را فرا می‌گیرد که متأسفانه حدود ۵۰ سانتی‌متر از پائین اثر از بین رفته و با سنگ پوشیده شده است. کادر تصویر به صورت مستطیل است که از ابتدای دیوار از جهت راست به چپ تا حدود چهار متر به این موضوع اختصاص یافته است. در این دیوارنگاره شاهد «عبور از پل صراط» و عذاب دوزخ هستیم. مردان و زنان این بار به جادوی قلم نقاش با ویژگی‌های قاجاری خویش به آینده سفر کرده‌اند، آن هم به آخر دنیا و به زمانی که باید پاسخ‌گوی اعمال خویش باشند. اینجا صحنه‌ای است از داوری اخروی.

کادر دیوارنگاره به صورت افقی و با ظرافتی خاص با خط سیاه و باریکی که بی شک پل صراط است به دو قسمت تقسیم شده‌است. در دین اسلام آمده است که این پل نازک‌تر از مو و برنده‌تر از شمشیر است و باعث می‌شود گناهکاران در زیر آن افتاده و گرفتار عذاب الهی شوند. حدوداً یک ششم از کل کادر به بخش بالایی تصویر و مابقی به قسمت پائینی کادر اختصاص یافته است که صحنه عذاب دوزخیان در آن دیده می‌شود. در قسمت بالایی تصویر و بر روی پل صراط ۱۵ نفر از زنان و مردان را به صورت برهنه می‌بینیم که در حال عبور از پل هستند، البته دو نفر از آنها در حال سقوط به سمت پائین کادر یعنی دوزخ نقاشی شده‌اند، یکی از آنها با یک‌دست از پل آویزان شده و دیگری سروته شده و با اینکه تقریباً تا انتهای پل رسیده ولی بالاخره با سر در حال سقوط به قعر دوزخ است. این ۱۵ نفر به صورت برهنه نقاشی شده‌اند و هر دو گروه از لحاظ جنسی به صورت خنثی ترسیم شده‌اند و تنها تفاوتی که از لحاظ ظاهری میان زنان و مردان وجود دارد این است که زنان با موهای بلند تصویر شده‌اند. در این باب این موضوع در روایات آمده است: «از حضرت محمد(ص) نقل شده که فرمودند: همان گونه که به دنیا آمدید محشور می‌شوید و سپس آیه

مبارکه « کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ » (انبیاء، ۱۰۴) را قرائت فرمودند حاصل این روایت این است که همهٔ انسان‌ها در قیامت عریان و برهنه و... محشور می‌شوند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸).

در انتهای سمت چپ تصویر زنی را می‌بینیم که از همه بزرگ‌تر است گویی در این نقاشی‌های عامیانه مذهبی همانند نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و پرده‌نگاری‌ها شاهد نوعی پرسپکتیو مقامی هستیم. این بانو که از همه بزرگ‌تر است و کفن یا چادری سفید رنگ بر سر دارد و نام‌های در دست راستش است و پیش از بقیه به انتهای این مسیر رسیده حضرت فاطمه (س) است که پیامبر(ص) فرمودند: «اولین کسی که داخل بهشت می‌شود فاطمه(س) است».<sup>۲۲</sup> زنان و مردانی که در حال عبور از پل هستند در حالت‌های مختلفی اجرا شده‌اند (تصویر ۲).



تصویر ۲. دیوارنگاره ایوان جنوبی، بخشی از واقعه قیامت (عبور از پل صراط)، (مأخذ: نگارنده)

دو نفر از مردان دست یکدیگر را گرفته و در ابتدای مسیر هستند، کمی جلوتر سه نفر دیگر دست در دست هم قدم در راه نهاده‌اند که دو نفر آنها زن هستند و نفر سوم یک مرد است، در جلوی آنها مردی پایش لغزیده و تنها با یکدست از پل آویزان شده، پیش از او تقریباً در میانه مسیر مردی سوار بر موجود سیاه رنگی که بی‌شبهت به بز یا گوسفند نیست در حال حرکت است و مردی که در جلوی او قرار دارد از ترس افتادن بر روی پل نشسته و پاهایش آویزان است، دیگری در حالت چهار دست و پا از ترس آنکه پاهایش بلغزد از دستانش نیز یاری گرفته تا به سلامت از این مسیر بگذرد شاید وحشت او از سرنوشت آن مردی است که پیش از او با آنکه تقریباً به انتهای پل رسیده ولی در حال سقوط به قعر جهنم است. در جلوی او مرد دیگری است که به انتهای مسیر این پل پر خطر رسیده و به شکرانه از او با آنکه تقریباً دستهایش را روبه آسمان کرده و سه نفر دیگری که هر سه مرد هستند و ریش و سبیل دارند به سلامت از پل عبور گذشته‌اند و در حال نظاره کردن دیگران هستند و جهت نگاهشان از چپ به راست است.

این تنوع حالات برای عبور از پل صراط، یاد آور حدیثی از امام صادق (ع) است که می‌فرمایند: «مردمی که از پل صراط می‌گذرند بر چند دسته‌اند و صراط دقیق‌تر از تار مو و برنده‌تر از شمشیر است. گروهی مانند برق از آن می‌گذرند؛ گروهی همانند دویدن اسب

<sup>۲۲</sup> أول شخص تدخل الجنة فاطمه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴)



از آن رد می‌شوند؛ گروهی سینه خیز از آن رد می‌شوند و گروهی در حالت پیاده‌روی و گروهی افتان و خیزان می‌روند. گاهی آتش آنان را در می‌یابد و گاهی آنان را رها می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۵). از این روایات روشن می‌شود که امام صادق (ع) در صدد بیان حالات اهل نجات در عبور از پل صراط هستند، زیرا در هر صورت هر پنج گروه از پل رد می‌شوند منتهی برخی سریع، برخی آرام و برخی با زحمت و بالاخره گروهی با خطر فراوان و چشیدن مزه بخشی از آتش جهنم. این گروه‌ها به بهشت وارد می‌شوند و در آنجا جاودانه خواهند بود، اما آنهایی که نتوانند از پل بگذرند و در آتش دوزخ سقوط کنند دو دسته‌اند: «یا متکبرانند و امید نجاتی برای آنان نیست و تا ابد گرفتار می‌شوند و گروهی مدتی با توجه به زشتی گناهان در جهنم درنگ می‌کنند و آنگاه نجات می‌یابند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۸۳).

اشاره کردیم که یکی از عابرین سوار بر حیوانی سیاه رنگ که بی‌شبهت به قوچ یا بز نیست در حال عبور از پل صراط است در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است: «به حیوانات قربانی (حیواناتی که در راه خدا ذبح می‌شوند) نیکی و احسان کنید زیرا آنها وسیله عبور شما از صراط هستند»<sup>۲۳</sup>. این مرد نیز این حدیث را به گوش جان نپوش کرده و حالا در روز دادرسی اخروی سوار بر چهار پای قربانیاش در حال عبور از پل صراط است.<sup>۲۴</sup>

می‌رسیم به بخش پائینی ترکیب‌بندی که بخشی از دوزخ است. همانطور که در تعریف پل صراط آمده: «پلی است گسترده بر پشت دوزخ» (یا حقی، ۱۳۹۱: ۵۴۰). این بخش از تصویر بیشترین فضا را به خود اختصاص داده است فضایی رعب آور که بخش عمده آن مربوط به نمایش موجود افسانه‌ای، غول پیکر و چند سری به نام مار غاشیه<sup>۲۵</sup> است که در زیر پل صراط در حال بلعیدن و عذاب گناهکاران است. بدن این مار به رنگ قرمز اخرازی اجرا شده و با حرکات پیچانش و دهان‌های گشاده‌اش یادآور آتش سوزان دوزخ است. مار غاشیه همان مار قیامت و رستاخیز است که در جهنم به سر می‌برد تا به فرمان خدای متعال گناهکاران را عذاب دهد.

در این نقاشی تنها پنج سر از سرهای مار غاشیه که احتمالاً هفت سر داشته قابل تشخیص است. دوزخیان که با رنگ خاکستری<sup>۲۶</sup> نقاشی شده‌اند سه نفر، سه نفر در دهان‌های این اژدها در حال بلعیده شدن هستند و از شدت درد و عذاب دندان‌هایشان را بر هم می‌فشارند. هنرمند سعی کرده تا حدی درد و عذاب را در چهره‌هایشان به نمایش بگذارد و در این امر نیز موفق بوده‌است. در هر یک از دهان‌های این اژدها سه نفر در حال عذاب و بلعیده شدن هستند که از این سه نفر در هر دهان دو نفر مرد هستند و یک نفر زن. به جز این اژدهای چند سر عظیم‌الجثه مارهای پیچان و رنگارنگ دیگری هم در تصویر دیده می‌شوند که آنها هم در حال عذاب دوزخیان هستند.

## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### تال جامع علوم انسانی

<sup>۲۳</sup> استغر هوا ضحایکم فانها مطایکم علی الصراط

<sup>۲۴</sup> امام صادق (ع) فرموده‌اند: از حیوانات دنیایی در بهشت تنها چند حیوان خواهد بود (۱) الاغ بلعم باعور (۲) ناقه حضرت صالح (۳) گریگ حضرت یوسف (۴) سگ اصحاب کعبه و بعضی هم گفته‌اند: گوسفند قربانی هابیل و گوسفند قربانی حضرت ابراهیم (ع) که به جای حضرت اسماعیل ذبح کرده وارد بهشت خواهند شد و البته حیوانات دیگری هم باشند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹۵).

<sup>۲۵</sup> مار غاشیه: مار: در اوستا اژی آورده شده، یعنی روی شکم رونده، تندرو و چست و چابک. اژی در اوستا چندین بار با واژه‌ی «هاک» آمده است که در فارسی «اژدها» گوئیم. واژه‌ی مار به معنی میراننده و کشنده است. (دادور، ۱۳۸۵: ۸۸).

مار پس از عمر طولانی اژدها می‌شود، لذا به مار عظیم‌الجثه هم اژدها می‌گفتند. اژدها هفت سر دارد. و مار چون کهن گردد اژدها گردد (شمسیا، ۱۳۸۷: ۹۰).  
غاشیه: اصولاً به معنی زین پوش اسب آمده، چون از اسب سواری پیاده شوند بر زین اسب می‌پوشانند ولی به استناد آیه (هل اتیک حدیث الغاشیه) سوره ۱۱ قرآن مجید، معانی آتش و آتش دوزخ و به عبارات آخری قیامت و رستاخیز از آن افاده می‌شود.

<sup>۲۶</sup> دل دوزخی (گناهکار) سیاه است.

طلعت هند و وروی ترک چرا شد همچو دل دوزخی و روی بهشتی (شمسیا، ۱۳۸۷: ۵۱۳)

در کنار مارها، عقرب‌هایی به رنگ زرد دیده می‌شود که آنها نیز در حال نیش زدن و آزارگناهکاران هستند. این عقرب‌های زرد رنگ در واقع همان عقرب جراره هستند. در طبقه هفتم جهنم که جای مجرمین و بدعت‌گزاران است، عقربی به نام عقرب جراره<sup>۲۷</sup> وجود دارد که نیش این عقرب چنان الیم است که جهنمی‌ها از زحمت آنها پناه به مار غاشیه می‌آورند<sup>۲۸</sup> و آغوش این مار را مأمن خویش قرار می‌دهند. در قسمت سمت چپ تصویر فرشته‌ای را می‌بینیم که لباس عهد قاجار و تاجی نیز از آن دوره بر سر دارد و دو بال خود را گشوده و ترازوی سنجش اعمال در دست گرفته و در کنارش نگهبان جهنم ایستاده است. در کنار این دو، زنی کفن‌پوش نامه اعمالش را در دست راست گرفته تا در ترازوی سنجش عدل الهی قرار دهد و پائین‌تر از او مردی کفن‌پوش که نامه اعمالش برگردنش آویخته با چهره‌ای نگران کفن بر تن در حال انتظار است تا به حساب اعمالش رسیدگی شود. دو نفر نیزه به دست که رویشان از سمت چپ به راست تصویر است در انتهای تصویر دیده می‌شوند که یکی از دیگری بلندقدتر است و بدن هر دو اخراپی رنگ است. این دو نفر بی‌شک از نگهبانان جهنم<sup>۲۹</sup> هستند که آنها را «مالک جهنم»<sup>۳۰</sup> هم می‌نامند. نگهبانان جهنم لباس‌هایی به همین رنگ بر تن دارند حال آنکه فرشته بهشت که وی را رضوان می‌نامند پوششی سفید یا آبی روشن در بر دارد. متأسفانه بخش پائینی سمت چپ کادر تصویر آسیب شدید دیده و جزئیات آن قابل بررسی و تحلیل نیست.

## ۶. نتیجه

نقاشی در ایران از دیرباز ارتباط تنگاتنگی با ادبیات و متون مختلف داشته‌است. نقاشی دیواری شاخه‌ای از نقاشی ایرانی است و نقاشی‌های عامیانه مذهبی از زیر شاخه‌هایی آن محسوب می‌شود. نقاشی‌های عامیانه مذهبی از لحاظ ارتباط با ادبیات و متون مذهبی مانند دیگر نمونه‌های نقاشی ایرانی هستند. دیوارنگاره‌های بقاع، نقاشی‌های عامیانه مذهبی‌اند که پشتوانه‌های روایی و متنی دارند. این ارتباط تنگاتنگ با شاخه‌ای از ادبیات است که آن را «ادبیات روایی مذهبی» می‌نامیم. در این نقاشی‌ها، نقاش مکتب‌نویس، متن روایتی را که زبان روضه‌خوانان و نقالان شنیده به زبان تصویر ترجمه می‌کند.

در فرهنگ ایرانی، ریشه‌های عمیق، شاخه‌های مختلف هنر عامیانه را به هم پیوند می‌زند؛ نقاش از شعر تاثیر می‌پذیرد و شعر از متون مذهبی. با قلم نقاش پل صراط بر پشت دوزخ بسته می‌شود، زنان و مردان در روزی بزرگ و هراسناک برای حسابرسی اخروی صف می‌بندند، درست همان‌گونه که در متون به آن اشاره شده‌است. در نقاشی‌های نقاشان مکتب‌نویس مذهبی، رنگ‌ها نیز ترجمه‌های موبه‌مو از متون مذهبی هستند و به همین دلیل است که هنرمند، گناهکاران را سیاه، عقرب جراره زرد، مار جهنم (مار غاشیه) و نگهبان جهنم را اخراپی، و نگهبان بهشت را با رنگی روشن به تصویر در می‌آورد.

<sup>۲۷</sup> عقرب جراره: این عقرب در عالم دنیوی نوعی کژدم زرد رنگ بزرگ کشنده است، که در شهر اهواز خوزستان تا چندی قبل به وفور دیده می‌شد و هر کس را که می‌گزید خون از هر بن مویش روان می‌شد و گویند مسافر را نمی‌زند و این از غرایب است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۶۰)

<sup>۲۸</sup> در جهنم عقربی هست که از آن پناه به مار می‌برند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۸۲)

<sup>۲۹</sup> در احادیث شیعه و سنی، نام نگهبان بهشت «رضوان» و نام نگهبان جهنم «مالک» است، که پیامبر اسلام (ص) در معراج با او دیدار کرد، و مشاهده کرد که چهره‌ای زشت دارد، و بر خلاف دیگر فرشته‌ها هرگز نمی‌خندد زیرا آن چه خدا برای جهنمیان آماده کرده است را می‌بیند در آیه ۷۷ و ۷۱ سوره زخرف بیان شده که در آخرت جهنمیان خازن جهنم را صدا می‌زنند و می‌گویند: «وَتَأْتُوا يَا مَالِكُ لِيَقْ غَلِيظًا رَبِّكَ قَالُ يَا مَالِكُ مَا كَيْفَ أَلْمِمْكُمْ مَا كَيْفَ أَلْمِمْكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ»؛ و (جهنمیان) فریاد می‌کنند: ای مالک بگو پروردگارت ما را بکشد در پاسخ می‌گوید: شما آدر آتش و عذاب ماندگار خواهید بود؛ زیرا وقتی حقیقت برایتان آورده شد، اکثرتان از حق کراهت داشتید.

<sup>۳۰</sup> در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره مدثر، در مورد جهنم آمده است: عَلَيْهَا تِسْعَةُ عَشْرَ، وَمَا جَعَلْنَا لِصَاحِبِ النَّارِ الْأَمَلَةَ؛ بر آن نوزده آنگهبان است و ما دوزخیان را جز از فرشتگان قرار ندادیم... و همچنین در آیه ۱۸ سوره علق، مأموران دوزخ «زبانه» نامیده شده‌اند که به معنای مأمور (نگهبان) و نیز عذاب کننده است.

منابع:

۱. قرآن
۲. آذر گشسب، اردشیر (۱۳۷۲) مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان. تهران: انتشارات فروهر
۳. آموزگار، ژاله (۱۳۸۰) تاریخ اساطیری ایران، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت
۴. الیاده، میرچا (۱۳۸۵) رساله در تاریخ، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: ایران سروش
۵. بهار، مهرداد (۱۳۸۰) بندهش، تهران: انتشارات توس
۶. پاکباز، روئین (۱۳۸۳) نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) امثال و حکم، تهران: امیر کبیر
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران
۹. شاکد، شائول (۱۳۸۶) از ایران زرتشتی تا اسلام، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) فرهنگ اشارات، تهران: نشر میترا
۱۱. شیخ صدوق (۱۳۶۱) معانی الاخبار، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم
۱۲. شیخ صدوق (بی‌تا) الاعتقادات، بی‌جا: تحقیق عام بن عبداللّیه
۱۳. عناصری، جابر (۱۳۶۶) نمایش و نیایش در ایران، تهران: انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی
۱۴. فلاح فر، سعید (۱۳۸۹) فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران، تهران: کاوش پرداز
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۱) بحار الانوار (جلد نخست)، بیروت: موسسه الوفاء
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰) خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: صدرا
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷) پیام قرآن (ج ۶) تهران: نشر دارالکتب اسلامی
۱۸. میرزایی مهر، علی اصغر (۱۳۸۶) نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران، تهران: فرهنگستان هنر
۱۹. هیلنز، جان (۱۳۷۵) شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفصلی، تهران: چشمه
۲۰. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۹۱) فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر

منابع لاتین:

Yarshater, Ehsan, Richard G. Hovannisian, Georges Sabagh (Editores), The Persian Presence in the Islamic World (Levi Della Vida Symposia) Cambridge University Press (November 28, 1998)

مأخذ تصاویر:

آرشیو شخصی نگارنده



پروژه نگاه علمی به انسانیت و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی